

در گفت و گو با سه
تن از مترجمان
قرآن بررسی شد

ترجمه قرآن برای نسل حاضر ویژگی ها و نیاز مندیها

○ آیا در ترجمه قرآن کریم ایده و سبک خاصی مدنظر تان بوده است؟

عبدالمحمد آیتی: گویا مقصودتان در ایده همان منظور و هدف است. مسلماً آری، منظور و هدفی خاص داشته‌ام، آن روزها ترجمه‌های غیرتحت‌اللفظی مثل ترجمه استاد بزرگوار مرحوم الهی قمشه‌ای و ترجمه مرحوم ابوالقاسم پاینده و ترجمه مرحوم زین‌العابدین رهنما هم بودند. بنده می‌خواستم ترجمه‌ای ارائه دهم که در عین فصاحت و بلاغت و شیوایی به زبان امروز هم نزدیک باشد و عاری از هرگونه حشو و زواید تفسیرگونه، یعنی عبارات درون پرانتز و اگر هم چنین مواردی ضروری باشد در ذیل صفحات نوشته شود. دیگر آنکه ترجمه هر آیه تا آنجا که ممکن است از سرسطر آغاز شود. نتیجه‌ای هم که در نظر داشتیم حاصل شد. زیرا بسیاری از کسانی که با قرآن آشنا نبودند با خواندن یک ترجمه روان و سلیس با قرآن آشنا شدند. کسانی را می‌شناسم که چند بار قرآن را از روی ترجمه بنده ختم کرده‌اند.

مسعود انصاری: پرداختن به هر کار مهمی ایده، نظریه و طرح می‌خواهد. به عنوان نمونه وقتی هریک از دایرةالمعارفهای مهم جهان پدید می‌آید از یک طرح اولیه برخوردار بوده است، که سرانجام با نگرش به طرح اولیه

اشاره:

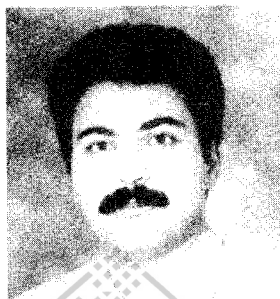
سالیان بسیاری است که مترجمان قرآن کریم نسبت به ترجمه این کتاب آسمانی اهتمام داشته و از دیر زمان، این امر به یک فن تخصصی تبدیل شده است. حتماً مترجمان متقدم و متأخری را می‌شناسید که سالها در این امر به تحقیق و تلاش پرداخته و امروز به کسوت استادی نایل آمده‌اند. از جمله مباحثی که در ترجمه قرآن کریم مورد تأمل صاحب‌نظران است، سبک و شیوه مترجم، ویژگی‌های یک ترجمه خوب و میزان برقراری ارتباط میان مخاطبان بویژه جوانان با قرآن کریم از طریق ترجمه آن است. از این شماره «گلستان قرآن» باب بحثی را گشوده‌ایم و با طرح سؤالاتی پیرامون موضوعات فوق، نظرات تعدادی از مترجمان قرآن کریم را جویا شده‌ایم که در بخش نخست، دیدگاههای عبدالمحمد آیتی، مسعود انصاری و امید مجد را منعکس می‌کنیم.



گلستان قرآن



مسعود انصاری



امید مجد

می‌بینید که نثر، زیباست، اما روح حاکم بر زیبایی کلام بشری که خاکی است، هرگز به روح افلاکی کلام حق نمی‌رسد. از این روی اگر می‌گویم تلاش کرده‌ایم شیوایی را جایگزین زیبایی کنیم، منظوم این است که در حد توان خود در زیبانویسی کوشیده‌ایم، اما چه مقیاس ذره را با عین خورشید.

امید مجد: آری! من خودم وقتی قرآن می‌خواندم، به نکات مبهم زیادی بر می‌خوردم و اندیشیدم که شاید دیگران هم همین مشکلات را داشته باشند، لذا در ترجمه‌ام آن توضیحات اضافی را داده‌ام. وانگهی به هر حال دوست داشتم طبع شعرم را در راهی نو بکار اندازم و مسأله شعر کردن قرآن هم آن روز کاری بکر بود. البته من هنوز به مرحله اقناع از ترجمه خود نرسیده‌ام و علیرغم چندین بار تجدید نظر در آن، امیدوارم هرچه زودتر پس از اتمام درس‌هایم بار دیگر وقت بیشتری بر روی این ترجمه صرف کنم تا کامل‌تر شود. به هر حال شرایط، فرق می‌کند و انسان رو به پیشرفت است و طبیعی است که «مجد» امروز به «مجد» چند سال پیش، خرده‌هایی بگیرد و بعضی اشعارش را سرزنش کند.

○ **ترجمه فارسی قرآن کریم برای نسل حاضر از چه ویژگی‌هایی باید برخوردار باشد؟**

عبدالمحمد آیتی: برای نسل حاضر، ترجمه‌ای لازم است که به زبان معیار باشد. شیوا و فصیح بوده و دارای سبکی باشد که هر کس می‌خواند احساس کند که یک متن آسمانی و دینی را می‌خواند.

توانسته‌اند نزدیک به آن در پدیدآوردن اثر حرکت کنند. درباره ترجمه قرآن کریم نیز چنین است. اگر طرح اولیه، که روش کار نیز از آن جمله است، در اختیار نباشد به هیچ وجه اثری متمایز پدید نمی‌آید، به طور خلاصه طرح اولیه بنده در ترجمه متن مقدس قرآن کریم دقت نظر در ساختار نحوی عبارات (به دلیل آن که بدون توجه به آن، معانی درست دست نمی‌دهد)، بیان دقیق معانی تک‌واژگان، دقت در ظرافتهای زبانی (اعم از بلاغی، لغوی و...)، نزدیک شدن به زبان واقعی متن، در عین در نظر داشتن لطائف زبان مبدأ حساسیت‌های زبان مقصد، بدون گریز از ویژگیهای زبان معیار و... بوده است. منظوم از حساسیت‌های زبان مقصد دورنشدن از زبان معیار و توجه خاص به شیوایی کلام است. هرچند اگر زیبا نباشد. نه آن که نثر از سطح بالایی برخوردار نباشد، بلکه آن زیبایی ایده‌آل منظور است، زیرا در قرآن کریم زیبایی به اوج خود رسیده است و من در بیان وجوه زیبایی شناختی قرآن کریم به این موضوع پرداخته‌ام، زیبایی کلام انسانی هم مراتبی دارد که هر متن قابل اعتنائی نمی‌باید از سطحی که خوشایند طبقه متوسط جامعه نباشد، پایین‌تر باشد. از این روی، ترجمه قرآن به هیچ وجه نباید از بسیاری متون ادبی در سطحی فروتر قرار گیرد که در آن صورت از زبان مبدأ با توجه به آن که هیچ سخن بشری در زیبایی به پایه‌اش نمی‌رسد، فاصله گرفته‌ایم. توجه کنید به این ترجمه از آیات نخستین سوره عادیات: «سوگند به اسبان تیزتک پر دم، و سوگند به اسبانی که [از برخورد نعل و سنگ] اخگر می‌انگیزند، باز سوگند به اسبان تارا جگری که به صبح درآیند...».



عبدالمحمد آیتی

مسعود انصاری: من فکر می‌کنم نخستین کاری را که مترجم قرآن کریم باید انجام دهد این است که زبان معیار را بشناسد و زبان معیار، زبان نسل حاضر است. اگر زبان قوم درک نشود، روند ارتباط با او دچار اشکال می‌شود. زبان قرون اولیه یا میانی، در اوج غنای ادبی هم که باشد، در ارتباط برقرار کردن با مخاطب امروزی مشکل دارد، از این رو است که مثلاً گلستان سعدی را باید به درس آموخت. در نتیجه ویژگی مهم ترجمه قرآن کریم به طور اخص آن است که به زبان معیار باشد و در عین حال معانی و دقایق متن مبدأ از آن حیث که مقدس بوده و شارع در بیان هر حرف آن منظوری داشته است، نباید به هیچ وجه نادیده گرفته شود.

امید مجدد: هیچ فرقی بین جوان و پیر نیست. ولی در مورد خاص جوانان باید گفت عده‌ای از جوانان اصلاً حاضر به خواندن قرآن نیستند و تا این مشکل حل نشود، سخن از اینکه کدام ترجمه بهتر است، ضرورتی ندارد.

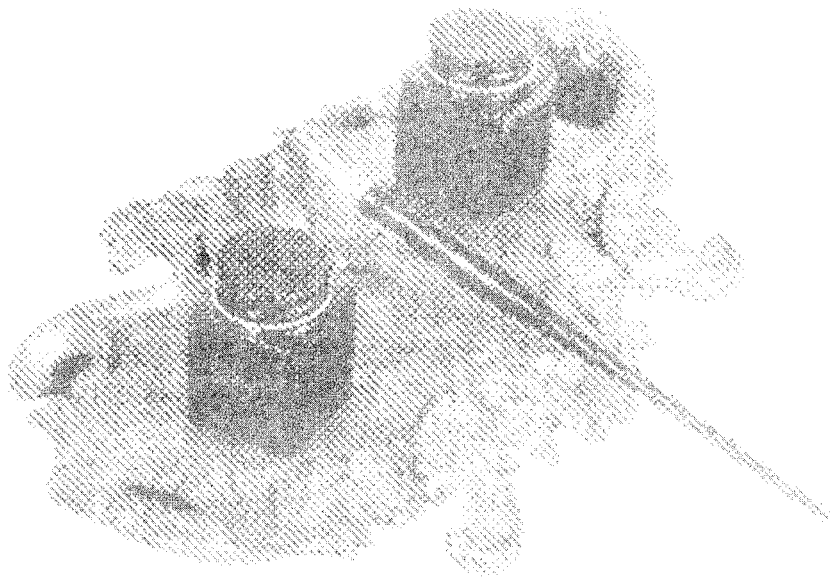
○ به نظر شما ترجمه‌هایی که تاکنون صورت گرفته، به چه میزان زمینه برقراری ارتباط افراد بویژه جوانان با قرآن کریم را فراهم آورده است؟

مسعود انصاری: این البته پرسش مهمی است، اما نخست باید معلوم شود که آیا وظیفه برقراری ارتباط میان قرآن کریم و جوانان تنها وظیفه مترجم قرآن است. من تصور می‌کنم که ترجمه فقط یکی از فاکتورهای دخیل در این امر است، البته یک عامل کاملاً مهم؛ زیرا جوانان شاید برای خواندن ترجمه حوصله بیشتری داشته باشند، چون ترجمه

مختصر است. ولی بارها به این نکته توجه داده‌ام که از ترجمه فقط می‌توان به اندازه ترجمه انتظار داشت. خلاصه بودن ترجمه، وجود بسیاری از نکات که می‌باید در مجالهای دیگری بیان شوند، ممکن است بسیاری از پرسش‌های یک جوان را همواره بی‌پاسخ بگذارند، از آن گذشته من معتقدم که برای بیان مفاهیم بلند قرآنی نیاز دارد که زبانهای نوینی از قبیل زبان ادبیات داستانی، فیلم و... که مخاطبان پرشمارتری دارند، به خدمت گرفته شوند، اما اگر مراد این باشد که از حیث ترجمه این بخش توانسته است رسالت خود را انجام دهد، من فکر می‌کنم از حیث معیار بودن زبان ترجمه توانسته‌ایم به هدف نزدیکتر شویم و بیشتر باید در دقایق و ظرافتها درنگ کنیم.

امید مجدد: از هنگامی که ایرانیان اقدام به ترجمه قرآن کرده‌اند به نظر این جانب با سه دسته ترجمه مواجه بوده‌ایم: دسته اول ترجمه‌هایی که لغت به لغت و تحت‌اللفظی برگردان شده‌اند، نمونه‌های آن تمام ترجمه‌هایی است که در قرنهای پیش صورت گرفته است و در حال حاضر نیز ترجمه مرحوم استاد معزی از این گروه است که در منازل و کتابخانه‌ها یافت می‌شود. این دسته از ترجمه‌ها به خاطر عدم روانی و شیوایی کلام - که ناشی از همان لغت به لغت ترجمه کردن است - موفق به تسخیرکردن روح خواننده نمی‌شوند و نمی‌توانند با عموم مردم ارتباط برقرار کنند؛ اگرچه ممکن است، لغات، درست برگردان شده باشند و صحت ترجمه رعایت شده باشد.

دسته دوم ترجمه‌هایی هستند که تقریباً از ۵۰ سال قبل تولد یافته‌اند و مترجمان آنها از واژه‌های شیوا و جمله‌های روان



علیرغم وجود خوانندگان زیاد قرآن، تعداد کمی از آنها صرفاً با خواندن ترجمه‌ها، به معانی و مفاهیم قرآن پی می‌برند و با مطالعه بیشتر پیرامون قرآن به شناخت بهتری می‌رسند با ذکر چند مثال این مطلب بهتر روشن می‌شود: مثلاً در آیه ۲۵ سوره انعام می‌خوانیم:

۱ - «یردالله ان یهدیه شرح صدره و من یرد ان یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً کانی یصعد فی السماء».

ترجمه استاد اول: آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند سینه‌اش را برای پذیرفتن اسلام گشاده می‌گرداند و آن کس را که بخواهد گمراه سازد سینه‌اش را آنچنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود.

ترجمه استاد دوم: ... دلش را تنگ و تار می‌گرداند چنان که گوئی می‌خواهد به آسمان بپرد.

ترجمه استاد سوم: ... دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنانکه گوئی به زحمت در آسمان بالا می‌رود.

به ترجمه قسمت انتهائی آیه دقت کنید [یجعل صدره... فی السماء] یکی فرموده است: «تنگ می‌کند»، یکی می‌گوید: «تنگ و تار می‌گرداند» و دیگری می‌نویسد: «سخت تنگ می‌گرداند» که هیچ فرقی بین آنها نیست و همگی هم درستند. همین طور برای «یصعد فی السماء» یکی گفته است «بپرد»، یکی: «می‌رود» [وجه اخباری معنا شده] و دیگری گفته: «برود» [وجه التزامی] اما در هیچکدام از ترجمه‌ها ارتباط بین «سینه تنگ شدن» و «از آسمان بالا رفتن» و «مومن نشدن» نیامده است، در حالی که این بین جملاتی در ترجمه محذوف است بدین صورت که «آن کس را که بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را تیره و تنگ می‌گرداند (تا ایمان نیاورد) (و

در ترجمه استفاده کرده‌اند و از این لحاظ با خواننده انس و الفت پیدا می‌کنند. بارزترین نمونه ترجمه از این دسته ترجمه مرحوم استاد الهی قمشه‌ای است. اما این ترجمه و سایر ترجمه‌های مشابه، اگرچه از لحاظ بازکردن مطالب مهم قرآن برای خوانندگان موفق بوده‌اند ولی پای دقت در آنها عمدتاً می‌لغزد و وجود این نقطه ضعف، باعث خودنمایی ترجمه‌های دسته سوم می‌گردد.

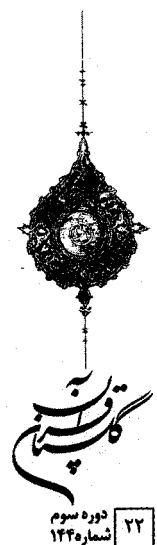
سومین دسته، ترجمه‌هایی است که در یک دهه اخیر، عرضه شده‌اند، مانند ترجمه‌های استاد دکتر فولادوند، استاد دکتر مجتوبی، استاد خرمشاهی، استاد مکارم شیرازی و...

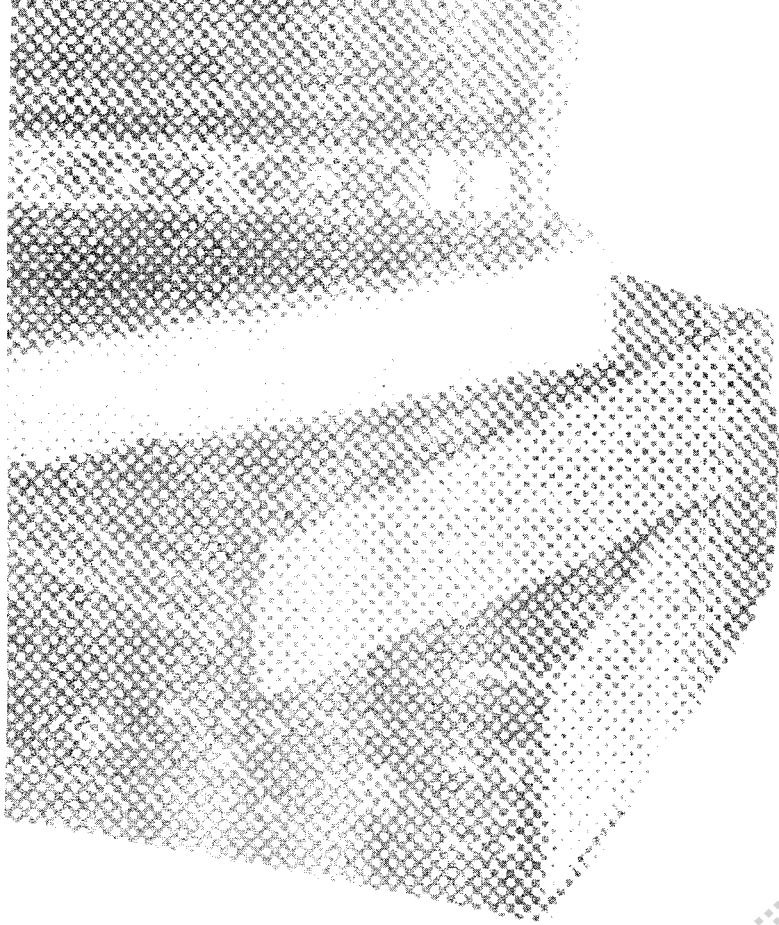
این ترجمه‌ها از لحاظ دقت و درستی ترجمه، برتر از ترجمه‌های دسته اول و دوم هستند. اما متأسفانه بازم آن گونه که باید و شاید نمی‌توانند با روح خواننده ارتباطی دوستانه برقرار کنند. در این ترجمه‌ها اگرچه میزان دقت، بالاست ولی مترجمان محترم کمتر کوشش کرده‌اند تا مسائل مبهم را برای خوانندگان شفاف کنند.

آنان در توجیه این عمل، چنان استدلال می‌کنند که ترجمه از تفسیر جداسست و اگر کسی علاقه‌مند به دانستن بیشتر است باید به تفاسیر مراجعه کند.

نکته مهم در این استدلال تشخیص مرز تمایز بین ترجمه و تفسیر است، یعنی اینکه آیا هر توضیحی که خارج از ترجمه عین عبارت قرآنی می‌آید، تفسیر محسوب می‌شود؟

به نظر من این‌طور نیست و بسیاری از این توضیحات، بخش پیوسته و جدایی‌ناپذیر خود ترجمه می‌باشند و بدون ذکر آنها معنا مبهم و ناقص باقی می‌ماند و تا هنگامی که به این مطلب توجه نشود، نتیجه همین است که می‌بینیم؛ یعنی





ایمان آوردن برایش چنان سخت می‌شود) که گوئی می‌خواهد به آسمان بالا برود. ... کند قلب او را چنان تنگ و تار که ایمان نیارد به پروردگار همانا بر آن مردم تیره‌بخت چنان است مؤمن شد صعب و سخت

تو گوئی که خواهد به باری گران، رود بر فراز بلند آسمان ۲ - در آیه ۴۹ سوره توبه می‌خوانیم: «و منهم من یقول ائذین لی ولا تفتنی الا فی الفتنه سقطوا». استاد اول: بعضی از آنها می‌گویند به ما اجازه بده تا در جهاد شرکت نکنیم و ما را به گناه نیفکن. استاد دوم: و از آنان کسی است که می‌گوید که مرا درماندن اجازه ده و به فتنه‌ام مینداز. استاد سوم: ... و مرا به فتنه نینداز.

نظر استادان بزرگوار بیشتر به این معطوف است که «منهم من یقول» را باید جمع ترجمه کرد یا مفرد که توجه مشکور و صوابی است لیکن ای کاش به یاد آوریم که برای خواننده عام قرآنی آیا این سؤال پیش نمی‌آید که «آیا اگر کسی به جهاد برود به فتنه و گناه می‌افتد زیرا ترجمه‌ها چنین معنائی را القا می‌کنند. حال آنکه مناسب بود یک توضیح کوتاه مانند بیت سوم اشعار زیر می‌دادند: بگویند بعضی از ایشان به ننگ، به ما رخصتی ده نیائیم جنگ

بترسیم در فتنه افتیم باز، مکن روی ما این در فتنه باز (میادا که بر عشق زندهای روم، بگردیم مفتون در آن مرز و بوم) ۳ - ترجمه آیه ۲۸ سوره یاسین: «و ما انزلنا علی قومه من

بعده من جند من السماء و ما کنا منزلین». که استادان محترم فرموده‌اند، «و ما بر سر قوم او پس از او سپاهی از آسمان فرو نفرستادیم و ما فرو فرستنده آن نبودیم که باز هم ظاهراً هر چند ترجمه دقیق است اما کاملاً نارساست. اما چرا می‌گوییم نارسا؛ برای اینکه اولاً معنای آن ترجمه این است که به هر حال سپاهی فرستاده شده است ولی فرستنده‌اش خداوند نبوده است. ثانیاً اصلاً چرا باید سپاهی از آسمان فرود بیاید؟! این ترجمه جملات محذوفی دارد که باید توضیح داده شوند: اولاً سپاهی نفرستادیم یعنی سپاهی نفرستادیم تا مردم را به زور مؤمن کند و فرو فرستنده آن نبودیم هم یعنی تاکنون چنین کاری نکرده‌ایم و نخواهیم کرد [نبودیم، در اصل باید نبوده‌ایم ترجمه شود، زیرا در زبان عربی، ماضی نقلی نداریم].

و «بعد از او» هم یعنی بعد از تبلیغ کردن‌های او: دگر بعد از آن مرد، رب نکو، نه هرگز فرستاد بر قوم او یکی لشکر از آسمان و سپاه، که با جبر، آن قوم یابند راه که نکرده‌ایم این عمل پیش از این، نخواهیم کردن پس

از این، چنین بنا بر این ضمن تأکید مجدد بر ارزش و اعتبار این ترجمه‌ها و اظهار کوچکی در مقابل مترجمان گرانسنگ آن، خالی از هرگونه غرض و صرفاً با اخلاص شاگردان بار دیگر این مطلب را مطرح می‌کنم که شکل امروز ترجمه قرآن شکافتن معانی بقصد انس با خواننده است نه این همه پافشاری بر روی تغییر ظاهری چند فعل یا کلمه که مثلاً غلط ترجمه مترجمی را این گونه اصلاح کنیم که «میرویم» او را «برویم» کنیم و بعد هم خوشحال باشیم که گامی به جلو نهاده‌ایم!!!

